

## شورای امنیت و گسترش مفهوی و عملیاتی امنیت بین المللی (۱۹۹۱-۲۰۱۰)

۸۵

یات جهانی

منصوره حقیقی کفاش<sup>۱</sup>

سید محمد کاظم سجادیپور<sup>۲\*</sup>

### چکیده

مفهوم امنیت به عنوان یکی از مفاهیم کلیدی رشته روابط بین الملل، به موازات تحولاتی که در نظام بین المللی و الگوهای رفتاری بازیگران رخ داده، دچار تحول گردیده است. از ابتدا شروع حاکمیت ها تا اواخر دهه ۱۹۹۱ مفهوم امنیت مضیق حکفرما بود. اما از سال ۱۹۹۱ به بعد امنیت موسع مطرح شد. بنابراین عملکرد شورای امنیت از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۰ حائز اهمیت است زیرا در این دوران شورا، نگاه گسترده تری نسبت به مفهوم امنیت داشته و متناسب با آن خلع سلاح و کنترل تسلیحات، تروریسم، حقوق بشر، محیط زیست و بیماری های واگیردار را از موارد امنیتی دانسته است. به همین سبب شورای امنیت در جهت مبارزه با این موارد سعی در ارائه راهکارهایی برای مقابله با آنها داشته است. در این راستا شورا قطعنامه هایی را صادر نموده و یا آنکه در نشست های خود به این موارد پرداخته است.

واژگان کلیدی: امنیت مضیق، امنیت موسع، تهدیدات امنیتی

۱. دکتری روابط بین الملل، دانشگاه آزاد واحد تهران شمال، دانشکده علوم انسانی، تهران، ایران.

۲. استاد تمام، عضو هیئت علمی دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه تهران، ایران.

\* نویسنده مسؤول، ایمیل: smksajjad@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۸/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۶/۳۱

فصلنامه سیاست جهانی، دوره چهارم شماره ۳ پاییز ۱۳۹۴، صص ۸۵-۱۰۷

با آغاز فرآیند جهانی شدن و تحولات آن، مفهوم امنیت متحول شد و حوزه آن گسترش یافت. اما در حقیقت نقطه عطف این تحول از سال ۱۹۹۱ بوده است، به گونه‌ای که به یکباره شاخص‌های امنیت گستره وسیعی را به خود اختصاص داده است. در مورد ادبیات موضوع مورد بحث باید گفت، افراد برجسته‌ای مانند رابرت ماندل، الکه کراهمان، فریده شایگان، بری بوزان، الی ویورو،<sup>۳</sup> پاپ دوویلدر<sup>۴</sup> راجع به این موضوع قلم زده و ابعاد مختلف آن را مورد بحث قرار داده‌اند. از نظر رابرت ماندل در کتاب «چهره متغیر امنیت ملی» باید به تعیین مجدد چارچوب مفهومی امنیت ملی با توجه به چالش‌های راهبردی جدیدی که به دنبال پایان جنگ سرد ظهور نموده است، پرداخت و این‌که دوران پس از جنگ سرد بسیار متفاوت با دوران‌های گذشته است. و الکه کراهمان در کتاب خود با عنوان «تهدیدهای جدید و بازیگران جدید در امنیت بین‌المللی» تلاش می‌کند تا ارتباط میان بازیگران جدید و تهدیدات امنیتی جدید را مورد بررسی قرار دهد و بیان کند که تهدیدهای جدید و بازیگران جدید، سرشت امنیت را در قرن بیست و یکم دگرگون کرده‌اند. او جنگ‌های داخلی، تروریسم، جرائم فراملی، بیماری‌های همه‌گیر زیست محیطی، ایدز و گسترش سلاح‌های سبک را به عنوان عواملی امنیتی ذکر می‌کند. از دیگر کسانی که در این زمینه کتابی را به نگارش درآورده‌اند، بری بوزان، الی ویورو،<sup>۵</sup> پاپ دوویلدر<sup>۶</sup> است. آن‌ها در کتاب «چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت» سرشت و پویای متمایز امنیت در پنج بخش نظامی، سیاسی، زیست محیطی و اجتماعی را مورد بررسی قرار می‌دهند. اما از افرادی که به نقش شورای امنیت در زمینه صلح و امنیت سخن گفته است، می‌توان فریده شایگان را نام برد که در کتاب «شورای امنیت سازمان ملل متحد و مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی» سعی نموده است تا ابتدا مفهوم صلح و امنیت

1. Robert Mundell

2. Alkh Krahan

3. Eli viuro

4. Pop Dvvyld

5. Eli viuro

6. Pop Dvvyld

بین‌المللی و ارتباط آن با شورای امنیت مشخص کند و سپس به این مسئله پردازد که حوزه امنیت گسترش یافته است و متناسب با تحول، عملکرد شورای امنیت نیز وسیع گردیده است. شایان ذکر است که کتاب مزبور تا عملکرد شورای امنیت را تا سال ۱۹۹۱ بررسی کرده است و فعالیت شورا در قرن بیستم نپرداخته است. بنابراین نکته حائز اهمیت این است که در حوزه روابط بین‌المللی و کتاب‌های نامبرده به موضوع مورد نظر در این مقاله به شکل موردی و زمانی کمتر پرداخته شده است و مقاله حاضر متناسب با اهمیت این امر این سوال را مطرح می‌کند که دیدگاه و عملکرد شورای امنیت نسبت به مفهوم امنیت از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۰ چگونه بوده است. بنابر سوال مطرح شده ابتدا نقش آفرینی شورای امنیت را در حوزه مختلف مفهوم امنیت موسع بررسی می‌شود و سپس از مطالب مطرح شده نتیجه‌گیری ارائه می‌گردد.

#### ۱. شاخص‌های تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی از دیدگاه شورای امنیت

در نظام سنتی بین‌المللی به دلیل برداشت محدود و مضیق از مفهوم امنیت، شاخص‌های نقض صلح و امنیت بین‌المللی یا تهدیدآمیز بودن آن‌ها نیز محدود بود و تهاجم نظامی با استفاده از سلاح‌های سنگین و تجهیزات و جنگ افزارهای گسترده به عنوان بارزترین شاخص‌های نقض صلح و امنیت بین‌المللی مطرح می‌شدند. اما از سال ۱۹۹۱ به بعد به دلیل برداشت عمیق‌تر و موسع از مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی، شاخص‌های تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی، نقض آنها و تجاوز متنوع‌تر و گسترده‌تر شد و حوزه عملکرد شورای امنیت نیز متناسب با این برداشت گسترده‌تر شد. با این توصیفات در زیر به مواردی که به عنوان شاخص‌های جدید تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی به حساب می‌آید، اشاره شده است:

۱. تسلیحات کشتار جمعی: تکثیر و به‌کارگیری تسلیحات کشتار جمعی در نظام جدید حقوق بین‌المللی به عنوان یکی از شاخصه‌های تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی و نقض آنها مورد پذیرش قرار گرفته است. در همین راستا شورای امنیت در چندین

مورد به بهانه فعالیت‌های مشکوک و وجود تسلیحات کشتار جمعی در برخی کشورها، قطعنامه‌هایی براساس فصل ۶ و ۷ صادر کرده است.

۲. تروریسم: مبارزه با جریان و اندیشه‌های تروریستی (به خصوص تروریسم مورد حمایت دولت) از سال ۱۹۹۱ به بعد، به منظور حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، شکل جدی‌تر و عینی‌تری به خود گرفته است. در این زمینه، اقداماتی توسط شورای امنیت در مبارزه با تروریسم صورت گرفته است و کمتر دولتی با این اقدامات شورای امنیت مخالف کرده است.

۳. نقض حقوق بشر: میان استقرار صلح و امنیت بین‌المللی در جامعه بین‌المللی و تأمین و تضمین حقوق بشر رابطه دیالکتیک برقرار است. فقدان صلح و امنیت و منازعات خشونت‌بار، نقض وسیع حقوق بشر را به دنبال دارد. از طرف دیگر عدم رعایت حقوق و آزادی‌های بنیادین بشری زمینه بروز خشونت و نقض صلح و امنیت بین‌المللی را فراهم می‌آورد. پس با درک این رابطه متقابل نهادهای اجرایی برای حفظ صلح و امنیت و اعاده آن به سمت تمرکز بر حقوق بشر سوق یافتند.

۴. جرایم سازمان‌یافته و فعالیت‌های غیرقانونی اقتصادی: جرایم سازمان‌یافته بین‌المللی و فراملی یکی از چالش‌های عمده امنیتی است که در طول چندین دهه‌ی اخیر، بخشی از تلاش‌های نهادهای بین‌المللی را به خود اختصاص داده است. مصادیق جرایم سازمان‌یافته بین‌المللی شامل موارد مختلفی می‌شود از جمله: مافیای مواد مخدر، سازمان‌های بین‌المللی قاچاق انسان و اسلحه و مواد هسته‌ای، احزاب و جریان‌های بین‌المللی تروریستی فراملی، ترویج سازمان‌یافته و هدفمند افکار تروریستی (صادق باقری، ۱۳۸۹). از میان این جرایم سازمان‌یافته و فعالیت‌های غیر-قانونی اقتصادی، قاچاق کالا و انسان به خصوص کالاهای ممنوعه مانند مواد مخدر و کودکان و زنان و پولشویی یکی از مهمترین نگرانی‌های جهانی و عامل ناامنی انسانی به حساب می‌آیند (حصمیان، ۱۳۸۴: ۱۰).

۵. آلودگی و تخریب محیط زیست: مفهوم گسترده‌تر از امنیت دارای ابعاد غیرنظامی مهمی است که یکی از آنها محیط زیست می‌باشد. در سال‌های اخیر نهادها و مراجع

تصمیم‌گیری در سطح جهانی از جمله شورای امنیت عموماً به این باور رسیده‌اند که تداوم آلودگی محیط زیست به ناامنی حیات انسانی در کره زمین منجر خواهد شد. پس از این نگرانی عمومی، می‌توان اینگونه بیان کرد که گسترش روند آلودگی و تخریب محیط زیست، صلح و امنیت جامعه جهانی را با خطر مواجه می‌کند (Crocker and Hampsonnd , 2000 : 54). موضوعاتی که آلودگی و تخریب محیط زیست در آنها مطرح است عبارتند از: سوراخ شدن لایه اوزون در اثر تولید گازهای گلخانه‌ای و گرم شدن تدریجی کره زمین، از بین رفتن جنگل‌ها، خشک شدن رودخانه‌ها و آلودگی آب‌ها، استخراج بیش از حد طبیعی از منابع و آسیب دیدن محیط زیست به علت جنگ‌ها.

۶. دولت‌های ورشکسته؛ یکی از پدیده‌هایی که در دو دهه اخیر به عنوان شاخص و یا به تعبیر دیگر عامل بی‌ثباتی و تهدید در برابر امنیت بین‌المللی بروز یافته است، دولت‌های ناتوان می‌باشد. البته پدیده دولت‌های ناتوان از این منظر به عنوان عامل بی‌ثباتی و ناامنی بین‌المللی به حساب می‌آید که همواره با بی‌عدالتی و ناحقی، نقض گسترده حقوق بشر را به همراه می‌آورد. علاوه بر این، دولت‌های ناتوان، می‌توانند مأمّن جریان‌های تروریستی، سازمان‌های مجرمانه قاچاق مواد مخدر، فساد مالی و اداری و موارد مشابه باشد که این موارد نیز عاملی برای ایجاد ناامنی بین‌المللی خواهند شد.

۷. افزایش بیماری‌های عفونی و فراگیر جهانی: ایدز یکی از مهم‌ترین بیماری‌های عفونی است. براساس اطلاعاتی که ادوارد نیومن<sup>۲</sup> در کتاب خود با نام تهدیدات جدید و بازیگران جدید در امنیت بین‌المللی ارائه داده است، ۴۳ میلیون نفر در جهان از این نوع بیماری رنج می‌برند (Krahmann , 2005: 111). متناسب با این تعاریف شورای امنیت بیماری‌های عفونی به ویژه ایدز را به عنوان یک تهدید امنیتی نام برده است.

1. Fragile States  
 22. Edward Newman

۸. مردم سالاری: یکی دیگر از مواردی که در عصر جدید برای صلح جهانی و امنیت بین‌المللی به عنوان عامل مهم و لازم ذکر شده است، دموکراسی است. در سال ۱۹۹۲ شورای امنیت در نشستی که برگزار نمود، عدم وجود دموکراسی را عاملی برای تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی به شمار آورد.

۹. آوارگی اجباری و مهاجرت: یکی از فجایع جنگ‌ها به‌ویژه جنگ‌های داخلی، ظهور تعداد زیادی از انسان‌های بی‌خانمان و آواره است. توجه به آوارگان و مهاجران زمینه ساز و ایجاد کننده بی‌ثباتی و یا نیز علت عمده ادامه منازعه چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی هستند. بنابر اهمیت این موضوع، این مسئله مورد توجه جامعه جهانی به ویژه شورای امنیت قرار گرفت. از نظر امنیت انسانی وجود انسان آواره تهدید بزرگی به شمار می‌آید و این امر موضوع را شدیداً امنیتی می‌کند (Newman and Selm, 2003: 3-1).

حال پس از تعریفی مختصر از هر یک از شاخصه‌های تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی، باید بیان کرد که نقش آفرینی شورای امنیت در هر یک از موارد بالا به یکسان نبوده است و در برخی از این مواد بسیار فعال‌تر عمل کرده است. لذا متناسب با نقش آفرینی متفاوت شورای امنیت در موارد امنیت، می‌توان یک تقسیم‌بندی را ارائه کرد:

۱. نقش شورای امنیت در خلع سلاح و کنترل تسلیحات
۲. شورای امنیت و مبارزه با تروریسم
۳. شورای امنیت و نقض حقوق بشر
۴. سایر موارد.

در زیر به نقش شورای امنیت در حوزه خلع سلاح و کنترل تسلیحات می‌پردازیم. **خلع سلاح و کنترل تسلیحات توسط شورای امنیت:** منشور ملل متحد هم در مقدمه و هم در موارد بسیار مهم خود به مفاهیم، ضرورت‌ها، اهداف و اصولی اشاره کرده است که یکی از ابزارهای حصول آنها خلع سلاح می‌باشد. از سوی دیگر ایجاد و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، جلوگیری از وقوع جنگ جهانی سوم و ایجاد صلح

و امنیت همیشگی برای نسل‌های حال و آینده، ممنوعیت توسل به زور در روابط بین‌المللی، لزوم حل و فصل اختلافات بین‌المللی به شیوه مسالمت آمیز و جلوگیری از قرار دادن جنگ به عنوان سیاستی ملی، همگی بیان‌کننده مواردی است که با گسترش تسلیحات منافات دارد. بر این اساس، شورای امنیت به خود صلاحیت داده تا در چارچوب مسئولیت اصلی خود به این مقولات بپردازد و حتی براساس فصل ۷ منشور علیه دولت‌ها قطعنامه صادر کند و به اقداماتی بپردازد.

نگاه شورای امنیت تا زمان جنگ سرد و قبل از سال ۱۹۹۱ صرفاً به سلاح‌های کشتار جمعی محدود بوده است، اما از زمان بعد از جنگ سرد، به ویژه از سال ۱۹۹۱ به بعد جهان شاهد تسری فرآیند خلع سلاح و کنترل تسلیحات به سایر سلاح‌ها یعنی سلاح‌های متعارف و تقویت ابزارهای اجرایی برخی سلاح‌های کشتار جمعی است. در بیانیه سال ۱۹۹۲ سران شورای امنیت، قطعنامه‌های شورا در مورد عراق، قطعنامه ۱۵۴۰ در ۲۸ آوریل سال ۲۰۰۴ (که در آن شاهد این امر هستیم که عدم حمایت از گسترش سلاح‌های کشتار جمعی توسط بازیگران غیردولتی به مثابه تعهدی برای دولت‌ها شمرده شده است) و قطعنامه‌های بعدی شورا در این مورد جملگی بر این نکته تاکید کرده‌اند که گسترش سلاح‌های کشتار جمعی تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی محسوب می‌گردد. به همین علت است که شورا در اجرای بند ۱ ماده ۲۴ منشور ملل متحد وارد حوزه خلع سلاح و عدم گسترش آن‌ها شده است (ساعد، ۱۳۸۳: ۵۹). پس از بیان این نکات باید مطرح کرد که شورای امنیت از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۰ نشست‌هایی داشته است که درباره خلع سلاح و کنترل تسلیحات نظرات مهمی را مطرح کرده است و حتی قطعنامه‌هایی در این زمینه صادر کرده است. اما اگر بخواهیم به شکلی مختصر نشست‌هایی که شورای امنیت در این زمینه داشته است را بیان کنیم باید این‌گونه گفت که در نشست‌هایی که شورای امنیت از سال ۱۹۹۱ به بعد برگزار کرده است به مسائل گوناگونی پرداخته، که یکی از بحث‌های مطرح شده، در زمینه خلع سلاح و کنترل تسلیحات بوده است. اما اولین نشستی که پس از سال ۱۹۹۱ مسئله خلع سلاح و کنترل تسلیحات را مورد بحث و

بررسی قرار داده است، مربوط به نشست ۳۱ ژانویه ۱۹۹۲ می‌باشد. در این اجلاس پس از رایزنی و بحث و گفتگو، توسط اجلاس اعلامیه‌ای صادر گردید که در آن گسترش سلاح‌های کشتار جمعی به منزله تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی معرفی شده بود و در همین زمینه تمامی اعضای شورا اعلام داشتند که در زمینه جلوگیری از گسترش فناوری‌های مربوط به این سلاح‌ها تمامی تلاش خود را به عمل خواهند آورد.

اما بحث و رایزنی شورای امنیت در زمینه خلع سلاح و کنترل تسلیحات به این اجلاس محدود نشد، بلکه این اجلاس سرآغازی بود برای فعالیت و اظهار نظر در این حوزه. نشست بعدی شورا حول محور این موضوع در ۱۱ آوریل ۱۹۹۵ برگزار شد و نتیجه این نشست، تصویب قطعنامه ۹۸۴ بود. شورای امنیت با صدور قطعنامه ۹۸۴، ضمن استقبال از بیانیه‌های یک‌جانبه پنج قدرت هسته‌ای که در عین حال جزء پنج عضو دائم شورای امنیت هستند، آن را تضمینی برای کشورهای فاقد سلاح‌های هسته‌ای دانست و برای بار دیگر با گسترش سلاح‌های هسته‌ای مخالفت کرد. در ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱، شورای امنیت با توجه به قطعنامه ۱۳۷۳، تأسیس کمیته مقابله با تروریسم<sup>۱</sup> را مطرح نمود. همچنین در تاریخ ۱۰ دسامبر ۲۰۰۷ شورای امنیت با تصویب قطعنامه ۱۷۸۷، گامی فراتر نهاد و دستور گسترش کار کمیته مقابله با تروریسم را تا تاریخ ۳۱ مارس ۲۰۰۸ را صادر کرد. اما ذکر نتایج نشست‌ها و اجلاس‌های شورای امنیت در سال ۲۰۰۹ خالی از اهمیت نیست، زیرا عملکرد شورای امنیت در سال ۲۰۰۹ نشان‌دهنده پیشرفت چشم‌گیر فعالیت شورای امنیت در زمینه مبارزه با سلاح‌های کشتار جمعی بوده است. در ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۹ شورای امنیت اجلاسی را در سطح سران برگزار می‌کند تا به مسئله خلع سلاح‌های هسته‌ای بپردازند. سرانجام در پایان این اجلاس قطعنامه ۱۸۸۷ به اتفاق آراء به تصویب می‌رسد. نکته حائز اهمیت در مورد قطعنامه ۱۸۸۷ آن است که اولین اقدام جامع شورای امنیت از سال ۱۹۹۱ به بعد در مورد مسائل هسته‌ای بود. این قطعنامه از دولت‌ها می-

1. Counter-Terrorism Committee ( CTC)



خواهد تا پیمان جامع هسته‌ای<sup>۱</sup> و پروتکل الحاقی هسته‌ای را امضاء و تصویب نمایند. علاوه بر این، قطعنامه ۱۸۸۷ خواستار گسترش مذاکرات حول محور کنفرانس خلع سلاح<sup>۲</sup> و جهانی عاری از سلاح‌های هسته‌ای و کنوانسیون فیزیکی مواد هسته‌ای<sup>۳</sup> بود. البته شایان ذکر است که علاوه بر بحث و بررسی موضوع خلع سلاح و کنترل تسلیحات به شکل کلی در نشست‌ها و اجلاس‌های شورا از سال ۱۹۹۱ به بعد، شورای امنیت در فاصله‌ی زمانی ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۰ به شکل موردی نیز به خلع سلاح و کنترل تسلیحات پرداخته است و بارها سلاح‌های هسته‌ای و گسترش سلاح‌های کشتار جمعی را به عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی معرفی کرده است.

## ۲. تروریسم و شورای امنی

تلقی تروریسم به عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی، یکی از نمودها و مظاهر فعال شدن شورای امنیت از سال ۱۹۹۱ به بعد است. تروریسم بین‌المللی به علت تهدیداتی که متوجه افراد غیرنظامی می‌کند، یکی از مشخص‌ترین مصادیق تهدید علیه امنیت گمارده می‌شود. علاوه بر این، تروریسم مورد حمایت دولت خود به نوعی ((اختلاف بین دولتی))<sup>۴</sup> نیز به شمار می‌رود و قرار دادن آن در حوزه تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی می‌تواند با توجه به ماهیت تروریسم بین‌المللی که در خوشبینانه‌ترین حالت، نقض کننده اصل مهم ((منع کاربرد زور))<sup>۵</sup> و در بدترین شکل نوعی تجاوز غیرمستقیم و حتی ((حمله مسلحانه))<sup>۶</sup> تلقی گردد، زیرا نقض شدید حقوق بین‌الملل ممکن است سبب ((اقدامات متقابل مسلحانه))<sup>۷</sup> شود. حتی اگر مجاز بودن این اقدامات متقابل احتمالی از لحاظ حقوق بین‌الملل مورد شک و شبه باشد، باز هم تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی به حساب می‌آید ( Frowien

1. The Comprehensive Nuclear-Test-Ban Treaty (CTBT)

2. Conference on Disarmament (CD)

3. Convention on Physical Protection of Nuclear Material (CPPNM)

4. Intergovernmental Disput

5. Prohibition of use of force

6. Armed attack

7. Reprisal Armed Attack

609: 1995). موضوع تروریسم و مقابله با آن از طریق شورای امنیت با توجه به حساسیت‌های به وجود آمده پس از ۱۱ سپتامبر اهمیت ویژه‌ای یافته، به گونه‌ای که تعداد قطعنامه‌های صادره شورا در این زمینه به شکل چشمگیری گسترش یافته است. مهمترین قطعنامه‌های شورای امنیت در زمینه مبارزه با تروریسم، قطعنامه‌های ۱۳۷۳ و ۱۵۴۰ است.

اما واکنش شورا در برابر حادثه ۱۱ سپتامبر از مهمترین واکنش‌های شورا نسبت به اعمال تروریستی به شمار می‌آید. در همین راستا شورای امنیت در ۱۲ سپتامبر تشکیل جلسه داد تا به این موضوع رسیدگی نماید. حاصل این نشست اضطراری، صدور قطعنامه ۱۳۶۸ بود. مهمترین نکته قطعنامه ۱۳۶۸، تاکید شورای امنیت بر "شناسایی حق ذاتی دفاع مشروع فردی با جمعی مطابق منشور ملل متحد" است. به نظر می‌رسد شورای امنیت با درج چنین عبارتی در این قطعنامه به طور ضمنی دیدگاه آمریکا و بسیاری از کشورهای غربی را مبنی بر تلقی اعمال تروریستی به عنوان نوعی "حمله مسلحانه" یا "تجاوز نظامی" مورد تایید قرار داده است. شناسایی تروریسم به عنوان حمله مسلحانه قاعدتا دولت قربانی را مجاز می‌کند که مطابق ماده ۵۱ منشور ملل متحد برای دفاع از خود متوسل به نیروی نظامی شود.

چند روز بعد شورای امنیت قطعنامه ۱۳۷۳ را صادر کرد که بی‌تردید مهمترین قطعنامه شورای امنیت در خصوص تروریسم محسوب می‌شود. شورا ضمن تاکید مجدد بر اینکه تروریسم عامل جدی جهت تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی می‌باشد، تدابیر محکمی را به منظور مبارزه قاطع علیه تروریسم اندیشید (شهرام زر نشان، ۱۳۸۶: ۵۹). در این قطعنامه مفصل که جامع‌ترین قطعنامه شورای امنیت در مورد تروریسم بین‌المللی است، ضمن تاکید بر قطعنامه‌های قبلی و محکوم نمودن مجدد اعمال تروریستی در آمریکا، اعلام داشت که کلیه اعمال تروریستی بین‌المللی از جمله اقدام تروریستی اخیر، تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی است. از جمله نکات مهم این قطعنامه، تاکید مجدد بر "حق ذاتی دفاع مشروع فردی و جمعی" است. گنجاندن عبارتی دال بر شناسایی حق دفاع مشروع در قطعنامه‌ای که در

خصوص تروریسم است، ابتکاری تازه است. در حقیقت شورای امنیت درصدد تایید توسل به زور بر ضد عاملان اقدامات تروریستی یا حامیان آنها به عنوان دفاع مشروع بوده است. در این قطعنامه رویکرد تازه شورای امنیت برای مقابله با تروریسم مشخص شده است. اعضای شورای امنیت تصمیم گرفتند، برای سرکوب نمودن تروریسم، منابع مالی و بنیان‌های اقتصادی آن‌ها را مورد هدف قرار دهند. در واقع شورای امنیت، کلیه کشورها را چه آن‌هایی که کنوانسیون را تصویب کرده بودند و چه آن‌هایی که تصویب نکرده بودند، موظف به اجرای بخش عمده تمهیدات آن نمود. یکی از نکات برجسته قطعنامه مذکور آن است که از دولت‌ها می‌خواهد که از حمایت افراد یا مجموعه‌هایی که در اعمال تروریستی دخالت کرده‌اند، به هر شکل خواه فعالانه و خواه انفعالی خودداری نمایند. بدین ترتیب نه تنها حمایت آشکار یا پنهان نظامی و اقتصادی به شکل ارسال سلاح و کمک‌های مالی و لجستیک به گروه‌های تروریستی ممنوع شد بلکه حتی حمایت سیاسی و دیپلماتیک و تبلیغاتی از این گروه‌ها نیز منع گردید. در حقیقت شورای امنیت از حادثه ۱۱ سپتامبر بهره لازم را نمود و به قانون‌گذاری در مورد تروریسم پرداخت و نقش جدی تری را برای مقابله با تروریسم ایفا نمود (Wright, 2003: 36). می‌توان قطعنامه ۱۳۷۳ را از لحاظ گستره، دامنه و عمومیت آن از جمله مهم‌ترین قطعنامه در خصوص تروریسم دانست که اصول تازه شورای امنیت برای مقابله با تروریسم را تدوین نمود.

بنابراین بدون شک در فاصله زمانی ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۰ تروریسم یکی از عمده‌ترین تهدیدات علیه صلح و امنیت جهانی محسوب می‌گردید و در راستای این تهدید امنیتی، شورای امنیت به عنوان متولی حفظ صلح و امنیت مبارزه با تروریسم را در دستور کار خود قرار داد. صدور تعداد زیادی قطعنامه و اعلامیه از سوی شورای امنیت در این زمینه نشان از اهمیت موضوع برای شورا است. شایان ذکر است که جدی‌ترین اقدام شورای امنیت جهت مقابله با تروریسم مربوط می‌شود به دو قطعنامه مهم ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ که پس از حوادث تروریستی یازدهم سپتامبر در آمریکا صادر شد.

حقوق بشر و شورای امنیت: بعد از پایان جنگ سرد و به ویژه از سال ۱۹۹۱ به بعد و نیز با تحول مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی، حقوق بشر به عنوان یکی از شاخصه‌های دستیابی به صلح و امنیت معرفی شد. تمامی افراد معتقد بودند که بین استقرار صلح و امنیت بین‌المللی و حفظ حقوق بشر، رابطه دیالکتیکی برقرار است، بنابراین فقدان صلح و امنیت و منازعات خشونت بار، نقض حقوق بشر را به همراه دارد. از طرف دیگر عدم رعایت حقوق و آزادی‌های بنیادین بشری، زمینه نقض صلح و امنیت را فراهم می‌کند. پس از درک این رابطه متقابل میان صلح و امنیت و حقوق بشر، نهادهای اجرایی به خصوص شورای امنیت برای حفظ صلح و امنیت به سمت توجه بر حقوق بشر سوق یافتند. شورای امنیت نیز به عنوان مسئول اصلی حافظ صلح و امنیت بین‌المللی، نگاه ویژه‌ای به مقوله حقوق بشر بعد از سال ۱۹۹۱ داشته است. در نشست سران کشورهای عضو شورای امنیت در ۳۱ ژانویه ۱۹۹۲ بحث‌های فراوانی در این زمینه صورت گرفت. برخی از کشورها علاقه‌مند بودن که شورای امنیت برعهده گیرنده نقش مؤثرتری در موضوع حقوق بشر باشد، در حالی که برخی دیگر از کشورهای، معتقد بودند حقوق بشر در حوزه داخلی کشورها قرار دارد، بنابراین نباید در این حوزه شورا دخالت کند و بهتر آن است که تلاش خود را مصروف موارد گذشته نماید. با وجود اختلاف نظرهای بین اعضای کشورهای شرکت کننده، در پایان این نشست به این نتیجه رسیدند که وقت آن شده است که شورا در درگیری‌های داخلی کشورها که در سطح وسیع باعث نقض حقوق بشر می‌شود، مداخله نماید (آقایی، ۱۳۷۵: ۱۵۸-۱۵۷).

با توجه به اهمیت ارتباط حقوق بشر و امنیت، شورای امنیت تلاش می‌کند تا در همه مسائل مربوط به حقوق بشر دخالت کند و نسبت به آن عکس‌العمل نشان دهد. این امر در حالی است که دایره عملکرد شورای امنیت و اقدامات قهرآمیزش در مورد نقض حقوق بشر به جز در مورد فصل ۷ منشور و ماده ۵۱ منشور ملل متحد منع شده است.

اما شورای امنیت با محدودیت‌هایی در زمینه حقوق بشر مواجه است. این محدودیت‌ها را می‌توان اینگونه مطرح کرد: ۱. در قلمرو یک دولت، نقض حقوق اساسی بشر باید جدی باشد به گونه‌ای که وجدان عمومی بشریت را جریحه‌دار سازد. ۲. نقض فاحش حقوق بشر در قلمرو یک دولت باید به گونه‌ای باشد که صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر بیندازد و شورای امنیت وجود چنین تهدیدی را براساس ماده ۳۹ منشور احراز نماید. ۳. شورای امنیت نباید پس از احراز تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی الزاماً علیه دولتی که در قلمرو آن نقض فاحش حقوق بشر به وقوع پیوسته، به زور متوسل گردد. بلکه نخست به موجب ماده ۴۱ منشور، علیه آن دولت اقدامات لازم را اتخاذ کرده و سپس در صورت موثر واقع نشدن این تدابیر به زور متوسل شود (ابوترابی، ۱۳۹۰: ۹۵).

مهم‌ترین اقدام شورای امنیت در رابطه با نقض حقوق بشر در دوره زمانی مورد بررسی شده، به شرح ذیل می‌باشد: (۱) سال ۱۹۹۱ در قضیه عراق: شورای امنیت در قطعنامه ی ۶۸۸ مورخ ۵ آوریل ۱۹۹۱ سرکوب مردم غیر نظامی بویژه کردها را محکوم کرده و عواقب آن را تهدید برای صلح و امنیت منطقه ای و بین‌المللی دانست (SC/Res/688). (۲) سال ۱۹۹۲ در قضیه بوسنی هرزگوین: شورای امنیت قطعنامه ۷۷۰ را نسبت به بد رفتاری با زندانیان غیر نظامی در زندان‌ها و کمپ‌ها صادر کرد و این عمل را از موارد نقض حقوق بشر اعلام نمود (SC/Res/770). (۳) سال ۱۹۹۲ در قضیه سومالی: شورا در قطعنامه ۷۹۴ در مورد سومالی، تراژدی انسانی و ممانعت از ارسال کمک‌های بشر دوستانه که از جمله موارد نقض حقوق بشر بود را تهدید صلح و امنیت بین‌المللی تلقی نمود (SC/Res/794). (۴) سال ۱۹۹۴ در قضیه رواندا: در قطعنامه ۹۲۹ شورا تصمیم به دخالت نظامی برای تضمین امنیت و حمایت از پناهندگان و غیر نظامیان که در خطر بودند، گرفت. (SC/Res/929) (۵) سال ۱۹۹۴ در قضیه هائیتی: قطعنامه‌های ۸۴۱ (سال ۱۹۹۳)، ۹۱۷، ۹۴۰ با هدف اعاده دموکراسی و جلوگیری از نقض حقوق بشر در هائیتی صادر شد. (SC/Res/841,917,940) (۶) سال ۱۹۹۷ در قضیه آلبانی: در قطعنامه ۱۱۰۱ شورای

امنیت اعلام می‌نماید که وخامت شرایط داخلی آلبانی در پی آن نقض حقوق بشر را به دنبال داشته است و این شرایط و تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی به شمار می‌رود. (SC/Res/1101) (۷) سال ۱۹۹۸ در قضیه سیرالئون: شورا در قطعنامه ۱۱۸۱ به وضعیت نقض حقوق بشر نیز اشاره می‌شود (SC/Res/1181). (۸) سال ۱۹۹۸ در خصوص افغانستان: در قطعنامه ۱۱۹۳ شورای امنیت به نقض حقوق بشر در افغانستان اشاره می‌نماید (SC/Res/1193). (۹) سال ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹ در قضیه کوزوو: در این دو قطعنامه‌های ۱۱۹۹ و ۱۲۴۴ به فاجعه انسانی در حال وقوع در کوزوو اشاره می‌نماید (SC/Res/1199, 1244). (۱۰) سال ۱۹۹۹ در قضیه تیمور شرقی: شورای امنیت در قطعنامه‌های ۱۲۶۴ و ۱۲۷۲ به وضیت انسانی و خشونت نسبت به افراد اشاره می‌نماید و در همین راستا نیروهای صلح را برای ایجاد آرامش در این منطقه راهی می‌سازد (SC/Res/1264, 1272). (۱۱) سال ۲۰۰۱ در قضیه افغانستان: قطعنامه ۱۳۸۶ توسط شورای امنیت در جهت توقف نقض حقوق بشر صادر گردید (SC/Res/1386). (۱۲) سال ۲۰۰۳ در قضیه لیبیا: در قطعنامه ۱۵۰۹ شورای امنیت مواردی از نقض حقوق بشر، جنایات علیه غیرنظامیان، خشونت جنسی علیه کودکان و زنان در لیبیا را بیان می‌نماید و در جهت توقف این شرایط تصمیمات لازم از جمله ارسال نیروهای صلح را اتخاذ می‌نماید (SC/Res/1509). (۱۳) سال ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ در قضیه جمهوری دموکراتیک کنگو: قطعنامه‌های ۱۵۹۶، ۱۶۴۹ و ۱۶۹۸ مربوط می‌شود به اقدامات بازدارنده شورای امنیت علیه گروه‌هایی که به استخدام و به-کارگیری کودکان در جنگ کنگو اقدام می‌کنند (SC/Res/1596, 1649, 1698). (۱۴) سال ۲۰۰۵، ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ در قضیه میانمار: در سال ۲۰۰۵ در خصوص وضعیت حقوق بشر در میانمار جلسه‌ای در شورای امنیت برگزار گردید که در آن جلسه آمریکا و کشورهای اروپایی خواستار گنجاندن موضوع حقوق بشر در میانمار در دستور کار شورای امنیت بودند اما این پیشنهاد با مخالفت چین و روسیه به سرانجامی نرسید. در سال ۱۵ سپتامبر ۲۰۰۶ به دلیل ارسال نامه از رئیس شورای امنیت در زمینه نقض حقوق بشر در میانمار و بحرانی شدن این موضوع جلسه‌ای

برگزار گردید که در پایان این جلسه تصمیم گرفته شد تا موضوع حقوق بشر میانمار در دستور کار شورای امنیت قرار گیرد. در ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۷ برای بار دیگر جلسه ای در این زمینه برگزار شد که در آن دو کشور آمریکا و انگلیس پیش نویس قطعنامه ای را به شورا ارائه دادند که با وتوی چین و روسیه به تصویب نرسید. در ۱۱ اکتبر ۲۰۰۷ نیز جلسه دیگری برگزار گردید که در آن اعضا موافقت کردند که رئیس شورا بیانیه ای را برای اولین بار تحت عنوان بیانیه ریاست در خصوص تحولات میانمار صادر نماید. شورا در ۱۴ نوامبر ۲۰۰۷ به صدور یک بیانیه مطبوعاتی در خصوص تحولات میانمار اکتفا نمود. در ۱۷ ژانویه ۲۰۰۷ بر اجرای مفاد بیانیه صادر شده در ۱۴ نوامبر تاکید نمود. (۱۵) سال ۲۰۰۸ در قضیه کنیا: شورای امنیت در فوریه ۲۰۰۸ در بیانیه خود کشتار، استفاده از خشونت های جنسی و جابجایی غیرنظامیان در کنیا را نمادی از نقض حقوق بشر دانست.

بنابراین حقوق بشر از جمله مواردی است که شورای امنیت نقض آن را عاملی برای تهدید علیه صلح و امنیت بین المللی مطرح کرده و نسبت به آن واکنش از خود نشان داده است. در زیر سعی شده است به ۲ حوزه ای پرداخته شود که شورای امنیت تا قبل از سال ۱۹۹۱ وجود آنها را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین المللی نمی دانست ولی به دلیل تغییرات به وجود آمده در جامعه بین المللی و کشورها، در فاصله زمانی ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۰ از آنها به عنوان تهدید علیه صلح و امنیت بین المللی یاد شده است.

**۳. شیوع بیماری های فراگیر جهانی به عنوان تهدید علیه صلح و امنیت بین المللی**  
 از زمان پیدایش جوامع بشری تا به امروز شیوع بیماری های مسری و فراگیر جهانی یکی از تهدیدات مهم به شمار می آید. بیماری ایدز جزء مهمترین بیماری های فراگیری است که تا سال ۲۰۱۰ موجب بالاترین میزان مرگ و میر میان بشر شده است. اما در مورد تاریخچه ایدز می توان این گونه بیان کرد که آغاز این بیماری از کشورهای آفریقا بود. هنگامی که گسترش ایدز در میان کشورهای آفریقا به حدی رسید که به یک اپیدمی تبدیل گردید و در راستای آن آمار ایدز در دیگر کشورها نیز

روند رو به رشدی را نشان می‌داد، جامعه بین‌المللی از ایدز به عنوان تهدید جهانی قرن یاد کرد و مبارزه با آن را جزو اولویت‌های اصلی کشورهای جهان قرارداد. شورای امنیت سازمان ملل متحد که در تاریخ ۱۷ ژوئیه سال ۲۰۰۰ میلادی در قطعنامه ۱۳۰۸ را به تصویب رساند که برای نخستین بار ایدز را به عنوان تهدیدی بالقوه علیه ثبات و امنیت جهان معرفی نمود و با به رسمیت شناخته شدن ایدز به عنوان یک عامل تهدیدکننده علیه صلح و امنیت جهانی، تمامی کشورها متعهد شدند تا در زمینه پیشگیری از ایدز تدابیر لازم را اتخاذ کنند. در حقیقت با داشتن این دیدگاه که گسترش ایدز در کشورها باعث ایجاد تنش و رویکردهای منفی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حتی نظامی در کشورها خواهد شد و متعاقب آن برهم خوردن و یا تیرگی روابط دیپلماسی کشورها را به دنبال خواهد داشت، شورای امنیت از ایدز به عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی یاد کرد. بنا به درخواست شورای امنیت، دفتر برنامه مشترک سازمان ملل متحد در زمینه ایدز، رهبری تلاش‌های بین-المللی را برای مقابله بلند مدت تاثیر ایدز بر امنیت کشورها را به عهده گرفته است (SC/Res/1308).

اما به غیر از قطعنامه ۱۳۰۸ در سال ۲۰۰۰، شورای امنیت پس از این سال (۲۰۰۰) در بعضی از نشست‌هایی که برگزار کرده است، به مسئله ایدز پرداخته است، به شکل مثال در ۱۹ ژانویه ۲۰۰۱ شورا، اجرای قطعنامه ۱۳۰۸ را مورد بحث و بررسی قرار داد. متعاقب آن در اجلاس سران شورای امنیت که ۲۷ ژوئیه ۲۰۰۱ برگزار شد، بار دیگر از قطعنامه ۱۳۰۸ به عنوان نخستین گام در جهت مبارزه با ایدز و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی یاد کرد و و راهکارهایی موثر در جهت مبارزه با ایدز مطرح کرد. اما نشست‌های شورای امنیت در حوزه مبارزه با ایدز به همین تعداد نشست محدود نشد، به گونه‌ای که در تاریخ ۳ ژوئیه ۲۰۰۲، ۱۳ ژوئیه ۲۰۰۲، ۱۷ نوامبر ۲۰۰۳ و ۱۸ ژوئیه ۲۰۰۵ شورای امنیت به مسئله ایدز و مبارزه با آن پرداخت و سعی در فعالیت همه جانبه و کارآمد در این زمینه داشت. تمامی این نشست‌ها حاکی از آن است که



شورای امنیت از سال ۲۰۰۰ به بعد به مسئله ایدز به عنوان تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی نگاه کرده است و در همین راستا در برخی از نشست‌های خود مسئله ایدز را در دستور کار خود قرار داده است.

در هر حال ایدز، بیماری است که به عنوان یک تهدید امنیتی جهانی شناخته شده و حتی یک روز تاخیر در اجرای برنامه‌های پیشگیری درباره ایدز هم می‌تواند اثرات جبران ناپذیری به جامعه و کشورها وارد کند و متناسب با اهمیت این امر، شورا آن را عاملی برای تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی معرفی می‌نماید.

**تغییرات زیست محیطی به عنوان تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی:** بسیاری از تهدیدات مطرح شده علیه جوامع بشری از مسائل زیست محیطی سرچشمه می‌گیرند. این تهدیدات، هر چند در ظاهر مرتبط با مسائل غیرامنیتی است، اما در حقیقت بر امنیت تمامی کشورهای دنیا تأثیر می‌گذارد و در برخی موارد این آثار و تبعات بسیار بیشتر و چشمگیرتری از جنگ‌ها می‌باشد.

تا اواخر قرن بیستم توجه سازمان یافته‌ای به بحث امنیت زیست محیطی مطرح نبود و تا زمان مطرح شدن مسائل اقتصادی و زیست محیطی در دهه ۱۹۷۰، مفهوم امنیت تنها در چارچوب منافع سیاسی مورد توجه قرار می‌گرفت و تا آخر دهه ۱۹۸۰ بحث‌های امنیتی تا حد زیادی حول محور مسائل نظامی متمرکز بود (بوزان، ۱۳۷۸: ۶). با افزایش فعالیت انسان‌ها و پیشرفت تکنولوژی و فناوری، این امور و فعالیت‌های انسانی بر محیط زیست تأثیر گذاشت و تهدیدات زیست محیطی مانند تخریب لایه اوزن و گرم شدن گلخانه‌ای جو زمین را به همراه آورد. از این زمان به بعد بود که تهدیدات زیست محیطی همانند تهدیدات نظامی و اقتصادی در چارچوب موضوعات امنیتی مورد توجه و اهمیت قرار گرفت (همان: ۴۵). ولی مطرح شدن مسائل محیط زیست در دهه‌های اخیر موجب افزایش قدرت عملکرد طرفداران محیط زیست گردید. با برگزاری بیش از ۱۸۰ کنفرانس بین‌المللی منجر به مطرح شدن مبانی در زمینه حفاظت از محیط زیست در قالب اصول ۲۶ گانه گردید. انعقاد حدود ۲۸۰ معاهده، موافقتنامه و پروتکل بین‌المللی در حوزه حفاظت از محیط زیست و مسائل مربوط به

آن که در سراسر جهان بین دولت‌های مختلف منعقد شده، دامنه الزامات و تعهدات دولت‌ها در زمینه مسائل زیست محیطی در برخی موارد فراتر از چنین الزامات و تعهداتی در حوزه‌های مختلف نموده است. به تبع بروز چنین وضعیتی امنیت زیست محیطی را به عنوان یکی از شاخص‌های امنیتی مطرح کرده است و تمامی این موارد نمایانگر اهمیت مسائل محیط زیست در کنار سایر موارد دیگر امنیتی است.

اما در مورد فعالیت شورای امنیت در زمینه محیط زیست می‌توان اینگونه بیان کرد که در آوریل سال ۲۰۰۷ با پیگیری و اصرار انگلستان، شورای امنیت سازمان ملل متحد، رابطه تغییرات اقلیمی و جنگ را در بحث خود گنجانده است. شش زمینه مرتبط شناسایی شده در رابطه با این تغییرات اقلیمی که مطرح شد، عبارت بودند از اختلافات مرزی، مهاجرت، منابع انرژی، کمبود منابع، استرس اجتماعی و بحران‌های انسانی (لی، ۱۳۸۸: ۲).

شورای امنیت در فاصله‌ی زمانی ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۰ مسائل اقلیمی و بحران‌های زیست محیطی را به عنوان یکی از عوامل موثر برای دستیابی به ثبات و امنیت جهانی در نظر گرفت، به گونه‌ای که در سال ۲۰۰۹ شورای امنیت از بالا آمدن سطح آب دریاها سخن گفت و بیان نمود که این شرایط به وجود آمده می‌تواند ادامه حیات برخی از کشورهای کوچک را به شکل بنیادین تهدید نماید و باعث نابودی و از میان بردن آن‌ها در سال‌های آینده گردد. برخی از کشورهایی که در معرض بیشترین آسیب‌های ناشی از تغییرات آب و هوا قرار داشتند، با این ادله که آثار تغییرات اقلیمی کمتر از مخاطرات و تبعات گسترش سلاح‌های هسته‌ای، جنگ یا تروریسم نبوده و می‌تواند باعث از بین رفتن و نابودی این کشورها شود، خواستار نقش آفرینی شورای امنیت در این بحران امنیتی شدند و اینکه شورا طرحی را تصویب نماید که به موجب آن با تشکیل نیروی جدیدی به نام ثبات در نقاطی از جهان که با خطرات ناشی از تغییرات آب و هوایی تهدید می‌شود، موافقت کند. در همین راستا اگر شورا موافقت می‌کرد ماموریت سازمان ملل متحد و شورا گسترش پیدا می‌کرد. چین و روسیه مخالف بودند که بحران محیط زیست یک امری امنیتی است و اعتقاد داشتند که شورا نباید

در مسائل مربوط به تغییرات امنیتی دخالت نماید و متناسب با آن این طرح تصویب نشد.

در مجموع آثار و تبعات تحولات زیست محیطی در هیچ مرز فیزیکی نیز متوقف نمی گردد و به روند گسترش خود ادامه خواهند داد و تمامی کشورها را متأثر از خود می نماید. نه تنها طوفان، سیل، بارانهای سیل آسا، کمبود بارش و بروز خشکسالی، آثار سوراخ شدن لایه اوزون، ورود ریزگردها، آثار گرم شدن زمین، ذوب شدن یخچالهای طبیعی در قطبهای شمال و جنوب و بالا آمدن سطح آب دریاهای آزاد مرزهای فیزیکی کشورها را نادیده گرفته و بسیاری از کشورها و دولت ها را که گاه در بوجود آمدن این مسائل نقشی نداشته اند را نیز به چالش می کشند، بلکه در بسیاری از مواقع تبعات و آثار ثانویه این وقایع، چالشهای بسیار مهمتری را برای جوامع در ابعاد مختلفی به دنبال دارد و امنیت آنها را با تهدید و خطر مواجه می سازند. متناسب با این تعاریف شورای امنیت سازمان ملل متحد از تغییرات زیست محیطی به عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین المللی یاد می کند و سعی در ارائه راهکارهایی برای مقابله با این نوع تهدید امنیتی بوده است (لطفی، نامی، حسن پور و یحیرایی، ۱۳۹۰: ۱۳۳-۱۳۱).

### نتیجه گیری

بنابر آنچه گفته شد، می توان این گونه بیان کرد که دیدگاه و عملکرد شورای امنیت نسبت به مفهوم امنیت در فاصله زمانی ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۰ دیدگاهی موسع بوده است. در حقیقت شواهد و قرائین بیانگر آن است که شورای امنیت دیگر تهدید علیه صلح و امنیت بین المللی را محدود به حمله نظامی و تهدید یک کشور توسط کشور یا کشورهایی ندانسته است، بلکه دایره ی گسترده ای از موارد امنیتی را مدنظر قرار داده است. اما آنچه شورای امنیت به عنوان شاخصه های تهدید علیه صلح و امنیت بین المللی نام برده است و نسبت به آن از خود واکنش نشان داده است، شامل این موارد است:

۱. تسلیحات کشتار جمعی.
۲. تروریسم.
۳. نقض حقوق بشر.
۴. جرایم سازمان‌یافته و فعالیت‌های غیرقانونی اقتصادی.
۵. آلودگی و تخریب محیط زیست.
۶. دولت‌های ناتوان.
۷. افزایش بیمارهای عفونی.
۸. مردم سالاری.
۹. آوارگی اجباری و مهاجرت.

اما نکته قابل توجه آن است که نقش آفرینی شورای امنیت در هر یک از موارد بالا به شکل یکسان نبوده است و در برخی از این مواد بسیار فعال‌تر عمل کرده است. لذا متناسب با نقش آفرینی متفاوت شورا، می‌توان یک تقسیم‌بندی را از عملکرد شورای امنیت ارائه کرد:

۱. نقش شورای امنیت در خلع سلاح و کنترل تسلیحات
  ۲. شورای امنیت و مبارزه با تروریسم
  ۳. شورای امنیت و نقض حقوق بشر
  ۴. سایر موارد.
- در زمینه عملکرد شورای امنیت در خصوص خلع سلاح و کنترل تسلیحات باید این-گونه بیان کرد که خلع سلاح یکی از نکات حساس و اصلی مورد توجه شورای امنیت در قالب مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی است و متناسب با این اهمیت شورای امنیت با تفسیری موسعی که از مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی ارائه کرده است، خلع سلاح و کنترل تسلیحات کشتار جمعی را جزء جدا نشدنی صلح و امنیت بین‌المللی - دانسته است. در این راستا شورا از سال ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۰ در بیشتر نشست‌های خود در مورد خلع سلاح صحبت کرده و این امر را در محور نشست‌های خود قرار داده است. در خصوص شورای امنیت و مبارزه با تروریسم باید ذکر نمود که بدون شک

در فاصله زمانی ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۰ تروریسم یکی از عمده‌ترین تهدیدات علیه صلح و امنیت جهانی محسوب می‌گردید و در راستای این تهدید امنیتی، شورا مبارزه با تروریسم را در دستور کار خود قرار داد. صدور تعداد زیادی قطعنامه و اعلامیه از سوی شورای امنیت در این زمینه نشان از اهمیت موضوع برای شورا بوده است. در مورد فعالیت شورای امنیت در حوزه مبارزه با نقض حقوق بشر باید گفت که شورای امنیت به عنوان مسئول اصلی حافظ صلح و امنیت بین‌المللی، نگاه ویژه‌ای به مقوله حقوق بشر بعد از سال ۱۹۹۱ به بعد داشته است. با توجه به اهمیت ارتباط حقوق بشر و امنیت، شورای امنیت تلاش می‌کند تا در همه مسائل مربوط به حقوق بشر دخالت کند و نسبت به آن عکس‌العمل نشان دهد. این امر در حالی است که دایره عملکرد شورای امنیت و اقدامات قهرآمیزش در مورد نقض حقوق بشر به جز در مورد فصل ۷ منشور و ماده ۵۱ منشور ملل متحد منع شده است. به غیر از سه حوزه ذکر شده، شورای امنیت در سایر حوزه‌ها نیز نگاه امنیتی اتخاذ نموده و آن‌ها را در محور توجه خود قرار داده است، به گونه‌ای که بیماری ایدز و آلودگی و تخریب محیط زیست را به عنوان را به عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی دانسته است. در راستای این دیدگاه در فاصله زمانی ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۰ شورا در مورد ایدز قطعنامه‌ای صادر نمود و از آن به عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی یاد کرد و در نشست‌ها و اجلاس‌های خود راه‌های مبارزه با آن را مورد بحث و بررسی قرار داد. در مورد محیط زیست نیز در سال ۲۰۰۸ از تخریب محیط زیست به عنوان تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی یاد شد و از آن زمان به مشکلات محیط زیست به عنوان یک تهدید امنیتی نگریسته شد، علاوه بر این نگرش در برخی نشست‌هایی که شورا برگزار کرده است، به موضوع محیط زیست پرداخته است و راه‌های مبارزه با این تهدید امنیتی مورد بررسی قرار گرفته است.

بنابراین نگاه و عملکرد شورای امنیت از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۰ متناسب با برداشت موسع از امنیت بوده است و هماهنگ با تفسیر موسعی که از مفهوم امنیت ارائه شده بود، حوزه وسیعی از موارد به عنوان تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی معرفی می

کند. به سبب آنکه شورای امنیت مواردی را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی می‌داند، سعی در ارائه راهکارها در جهت مبارزه با چنین تهدیدات امنیتی بوده است. در راستای این دیدگاه شورا قطعنامه‌هایی را به تصویب رسانید و اگر هم قطعنامه‌ای را در مورد تهدیدات امنیتی صادر نکرده است، ولیکن در نشست‌ها و اجلاس‌های خود در مورد آنها سخن گفته و به بررسی راه‌حل‌های مبارزه با این تهدیدات پرداخته است.

### منابع

#### الف- فارسی

- ابوترابی، حمیدرضا (۱۳۹۰)، تعهدات شورای امنیت به موجب منشور ملل متحد با تاکید ویژه بر عملکرد آن شورا بعد از جنگ سرد، دامغان: پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی.
- آقایی، سید داوود (۱۳۷۵). نقش و جایگاه شورای امنیت در نظم نوین جهانی. تهران: نشر پیک فرهنگ، ۱۳۷۵.
- بوزان، باری (۱۳۷۸). مردم، دولتها و هراس. ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حصمیان، منصوره، (۱۳۸۴)، امنیت ملی تابع امنیت انسانی، نامه، شماره ۴۳.
- دانشگاه هاروارد (۱۳۸۰)، حقوق بین‌المللی محیط زیست. ترجمه سیدفضل‌الله موسوی، تهران: انتشارات میزان.
- زرنشان، شهرام (۱۳۸۶)، شورای امنیت و تعهد دولتها برای مبارزه با تروریسم، مجله حقوق بین‌الملل، شماره ۳۶.
- ساعد، نادر (۱۳۸۳)، فرآیند خلع سلاح و کنترل تسلیحات در حقوق بین‌الملل منشور: از نظر تا عمل، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۵.
- لطفی، حمید، محمد حسن نامی، جعفر حسن پور و حسن یحیایی (۱۳۹۰)، امنیت زیست محیطی و سیاستگذاری امنیت ملی، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، شماره ۴.
- لی، جیمز (۱۳۸۸)، تغییرات اقلیمی و درگیری‌های مسلحانه. ترجمه جعفر حسن پور، تهران: مرکز انتشارات صیاد شیرازی.

A.Crocker, chester and Pamela Fensoler Hampsonnd, (2000),  
"Turbulent Peace: The Challenge of Managing International Conflict".  
Washington, D.C, United State Institute of Peace.

Frowien, A, , (1995), "Articles 39 in B. Simmaed, The Charter of  
United Nations", A Commentary , Oxford University Press.

Krahmann , Elka, (2005 ),"New Threat and New Actors in  
International Security".New York, Palgrave Macmillan,.

Newman, Edward and Selm , Joanne,( 2003), " Refugees and Forced  
Displacment " International security, Human Vulnerability , Tokyo ,  
New York: United Nations University Press ,.

15. Wain Wright, Jeremy, (2003)," Some of Aspect of Compliance with  
UN Security Resolution 1373", ( Presented at CALA conference,  
Melbourn ,

U.N. DOC. **SC/Res/688**, 5 April 1991.

U.N. DOC. **SC/Res/770**, 13 August 1992

U.N. DOC. **SC/Res/794**, 3 December 1992.

U.N. DOC. **SC/Res/841**, 16 June 1993.

U.N. DOC. **SC/Res/917**, 6 May 1994.

U.N. DOC. **SC/Res/929**, 22 June 1994.

U.N. DOC. **SC/Res/ 940**, 31 July 1994.

U.N. DOC. **SC/Res/984**, 11 April 1995.

U.N. DOC. **SC/Res/1101**, 28 March 1997.

U.N. DOC. **SC/Res/1181**, 13 July 1998.

U.N. DOC. **SC/Res/1193**, 28 August 1998.

U.N. DOC. **SC/Res/1199**, 23 September 1998.

U.N. DOC. **SC/Res/1244**, 10 June 1999.

U.N. DOC. **SC/Res/1264**, 15 September 1999.

U.N. DOC. **SC/Res/1272**, 25 October 1999.

U.N. DOC. **SC/Res/ 1308** , 17 July 2000.

U.N. DOC. **SC/Res/1368**, 12 September 2001.

U.N. DOC. **SC/Res/1373**, 28 September 2001.

U.N. DOC. **SC/Res/1509**, 19 September 2003.

U.N. DOC. **SC/Res/1596**, 18 April 2005.

U.N. DOC. **SC/Res/1649**, 21 December 2006.

U.N. DOC. **SC/Res/1698**, 31 July 2006.

U.N. DOC. **SC/Res/1787**, 10 December 2007.

U.N. DOC. **SC/Res/ 1887**, 24 September 2009.